

نگاه پویایی‌شناسانه به عوامل موجد فقر در

جمهوری اسلامی ایران

زهرا آذری^۱پرویز محمدزاده^۲داود بهبودی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۹/۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۷/۱۹

چکیده

اهمیت فقر و مبارزه با آن به‌اندازه‌ای است که کاهش فقر به‌عنوان اولین هدف در اهداف توسعه هزاره (MDGs) و اهداف توسعه پایدار سازمان ملل (SDGs) مطرح شده است. از این‌رو شناخت عوامل مؤثر بر فقر و مکانیسم تأثیرگذاری این عوامل لازم و ضروری است. هدف از این پژوهش، شناسایی عوامل مؤثر بر فقر در جمهوری اسلامی ایران و تحلیل پویای مکانیسم‌های تعاملی عوامل موجد فقر در جمهوری اسلامی ایران است. این مطالعه بر این موضوع تأکید دارد که شناخت عوامل مؤثر بر فقر و مکانیسم تأثیر این عوامل می‌تواند تأثیر قابل‌توجهی بر کاهش فقر داشته باشد. مطالعه در چهارچوب استراتژی تحقیقات کیفی و براساس روش تحلیل تماتیک انجام شده است. اطلاعات میدانی از طریق مصاحبه‌های عمیق و نیمه‌ساختاریافته با ۲۰ خبره آشنا به موضوع در سال ۱۴۰۱ گردآوری شده و نمونه‌گیری به‌صورت هدفمند و با روش گلوله‌برفی انجام گرفته و تا حد اشباع نظری پیش رفته است. نتایج نشان می‌دهد عوامل مؤثر بر فقر در قالب چهار تم اصلی ساختار سیاسی، ساختار فرهنگی، ساختار تولید و ساختار آموزش قرار دارد. درنهایت با استفاده از نگاهی پویایی‌شناسانه و رویکرد پویایی سیستم کیفی، روابط علی بین عوامل شناسایی شده و راهکارهای غلبه بر آن‌ها پیشنهاد شده است.

واژگان کلیدی: جمهوری اسلامی ایران، فقر، مکانیسم تعامل

طبقه‌بندی JEL: J68, I30, B52

۱. دانشجوی دکتری اقتصاد نهادگرایی، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران
azariza 2015@gmail.com

۲. استاد اقتصاد، گروه توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران
pmohamadzadeh@tabrizu.ac.ir (نویسنده مسئول)

۳. استاد اقتصاد، گروه توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران
dbehbudi@tabrizu.ac.ir

۱. مقدمه

فقر پدیده ناخوشایندی است که عده‌ای آن را به‌عنوان قوی‌ترین و عمومی‌ترین مصیبت بشر معرفی کرده‌اند (گالبرایت، ۱۳۶۹). در ادبیات توسعه نیز فقر مفهومی نامطلوب تلقی شده، به‌طوری که دغدغه اصلی فلاسفه، مجریان طرح‌ها و دست‌اندرکاران توسعه است. اهمیت فقر و مبارزه با آن به‌اندازه‌ای است که اولین هدف از اهداف توسعه هزاره^۱ (MDGs) و اهداف توسعه پایدار سازمان ملل^۲ (SDGs) به کاهش فقر اختصاص پیدا کرده است. با حرکت جامعه بشری به دهه سوم قرن بیست و یک، بررسی و ارزیابی امکان دستیابی به این هدف یعنی «پایان دادن به فقر در همه اشکال آن در همه‌جا» تا سال ۲۰۳۰ ضروری است. این موضوع توجه کشورهای مختلف و جوامع بین‌المللی را به خود جلب کرده است (تولفسون^۳، ۲۰۱۵).

دیدگاه‌های مختلفی درخصوص نحوه تجزیه و تحلیل و رویارویی با فقر به چشم می‌خورد. نگاهی به تاریخ بشر نشان می‌دهد که از زمان جنگ جهانی دوم، همکاری قاطعانه بین کشورها منجر به اقدامات زیادی برای ریشه‌کنی فقر شده است. این اقدامات عبارتند از: ۱. تأمین نیازهای اساسی فقرا برای کاهش گرسنگی و سوءتغذیه، تضمین امنیت غذایی، آموزش، مراقبت‌های بهداشتی اولیه، آب آشامیدنی سالم و بهداشت؛ ۲. کمک به افراد بیشتری برای اشتغال و اجتناب از بیکاری؛ ۳. ترویج عدالت جنسیتی، عدالت و برابری در فرآیندهای تصمیم‌گیری در همه سطوح؛ ۴. گسترش فرصت‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زنان و همچنین استقلال و توانمندسازی آن‌ها (آگولا و آوانگ^۵، ۲۰۱۴). با توجه به اقدامات صورت گرفته، موفقیت‌های چشمگیری در جهت کاهش فقر به‌دست آمده؛ به‌طوری که براساس گزارش بانک جهانی، ۱٫۲۲ میلیارد نفر در سراسر جهان در دوره ۱۹۹۰-۲۰۱۷ از فقر خارج شده‌اند و نسبت افرادی که با کمتر از ۱٫۹۰ دلار در روز زندگی می‌کردند از ۳۶٫۲ درصد به ۹٫۲ درصد طی سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۲۰ کاهش یافته است؛ اما برنامه‌های ضد فقر همچنان در رأس برنامه‌های توسعه جهان قرار دارند (گو و همکاران^۶، ۲۰۲۲).

عدم شناخت صحیح فقر و عوامل مؤثر بر آن بالاخص در کشورهای در حال توسعه موجبات سیاست‌گذاری نامناسب، اتلاف منابع کمیاب اقتصادی و تداوم فقر را فراهم آورده است. عده‌ای دلایل فقر را به کمبودهای فردی و عده‌ای دیگر دلایل آن را به نقص در ساختار کشورها نسبت می‌دهند. نظریاتی که دلایل فقر را کمبودهای فردی می‌دانند به مذمت فرد می‌پردازند. اما نظریاتی که دلیل فقر را به ساختار جوامع نسبت می‌دهند، دلایل متعدد اجتماعی، سیاسی، زیست محیطی، جمعیتی و ... را برای این بیماری شوم (فقر) بالاخص در کشورهای در حال توسعه برمی‌شمرند.

1. Millennium Development Goals
2. United Nations' Sustainable Development Goals
3. End poverty in all its forms everywhere
4. Tollefson (2015)
5. Agola & Awang (2014)
6. Guo et al. (2022)

در این میان، ایران به عنوان یکی از کشورهای در حال توسعه، به رغم دارا بودن منابع طبیعی فراوان، موقعیت خاص جغرافیایی، فرهنگ و تاریخ غنی از دیرباز با مشکلاتی همچون فقر گریبان گیر بوده است. انقلاب اسلامی ایران با هدف رفع فقر و محرومیت در سال ۱۳۵۷ به بار نشست. این ساختار، در چهل سال اخیر، بخش قابل توجهی از منابع طبیعی و ملی کشور را در جهت اهدافی همچون رفع فقر و محرومیت مصرف کرده، ولی نتایج قابل قبولی را ارائه نداده است. لازم به ذکر است گسترش زیرساخت‌هایی همچون آب، برق، گاز و راه‌های ارتباطی و ... از محصولات ساختار فعلی کشور هستند. اما در این میان، بحران‌های اقتصادی و اجتماعی بسیاری در این ساختار نمود پیدا کرده است. نرخ تورم دو رقمی طی سالیان متوالی، بیکاری میلیون‌ها جوان تحصیل کرده و مستعد، مهاجرت نخبگان، آسیب‌های زیست محیطی، بالا بودن شدت انرژی، افزایش حجم حاشیه‌نشینی، گسترش فعالیت‌های غیرمولد، فساد مالی و سیاسی، گسترش خشونت و ناامنی اجتماعی، عدم احترام به قانون، گسترش فقر و افزایش شکاف طبقاتی و مشکلاتی از این قبیل، نمونه‌ای از بحران‌های بارز در این ساختار است. بحران‌های اقتصادی موجود، تبعات اجتماعی فراوانی به دنبال داشته است. نرخ بالای تورم و بیکاری، فسادهای مالی و سیاسی، گسترش فعالیت‌های غیر مولد و ... از عواملی هستند که موجب فقر شده و به گسترش دامنه این معضل ختم شده است. به رغم توجه قانون اساسی به موضوع رفع فقر و محرومیت، با توجه به گذشت بیش از چهار دهه از پیروزی انقلاب اسلامی ایران می‌توان مدعی شد که دامنه فقر و محرومیت بالاخص در سال‌های اخیر در جامعه گسترش پیدا کرده است. آمار مربوط به هزینه و درآمد خانوار نشان می‌دهد درصد جمعیتی که با درآمدی کمتر از دو دلار در روز زندگی می‌کنند در سال ۱۳۹۱، ۰/۰۸ بوده که این رقم در سال ۱۴۰۰ به ۰/۷۲ رسیده است (مرکز آمار ایران، گزارش هزینه و درآمد خانوار). برآوردهای مربوط به وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی نشان می‌دهد که با رشد شدید خط فقر طی سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ نرخ فقر در سال ۱۳۹۸ به حدود ۳۲ درصد رسیده که بالاترین نرخ طی سال‌های ۱۳۸۸-۱۳۹۸ بوده که با توجه به آن، در سال ۱۳۹۸ حدود ۲۶/۵ میلیون نفر در زیر خط فقر قرار داشته‌اند (وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، ۱۴۰۰). آمار مربوط به فقر چند بعدی که از گزارش‌های بانک جهانی استخراج شده است نیز نشان می‌دهد که فقر چند بعدی در سال ۲۰۱۹ در ایران نسبت به سال ۲۰۱۳، ۱/۱۶ برابر شده است (بانک جهانی، ۲۰۲۲). پایدار بودن فقر در ایران ۲ این نکته را گوشزد می‌کند که پیچیدگی‌هایی در مورد فقر و مکانیسم‌هایی که از طریق آن فقر به وجود می‌آید و خود را تداوم می‌بخشد، وجود داشته که به خوبی درک نشده است. بدین ترتیب مطالعه حاضر بر آن است تا با شناسایی عوامل مؤثر بر فقر در جمهوری اسلامی، تعامل بین عوامل مؤثر بر آن را در قالب یک مدل پویا و نه خطی تحلیل نماید؛ چراکه فقر مشکلی ساده و خطی نبوده، بلکه یک مشکلی پیچیده، سیستمی و چند علیتی است که

1. World Bank

۲. مطالعه گیلروانی و همکاران نشان می‌دهد که نوعی وابستگی حالت در وضعیت فقر وجود دارد؛ به طوری که بیش از ۸۰ درصد از خانوارهایی که در سال اول فقیر بودند، در سال دوم نیز فقیر می‌مانند.

نحوه تعامل متغیرهای مؤثر بر آن پیچیده و چندگانه است. به عبارت دیگر، پژوهش حاضر درصدد پاسخ به دو پرسش بر آمده است: اول اینکه چه عواملی بر فقر در جمهوری اسلامی ایران مؤثر است و دوم اینکه مکانیسم تعامل عوامل مؤثر بر فقر چگونه است. به‌طور کلی مسئله اصلی تحقیق حاضر این است که عوامل شناسایی‌شده مؤثر بر فقر در قالب چه مکانیزمی می‌توانند موجد فقر باشند. در جهت شناسایی عوامل مؤثر بر فقر در جمهوری اسلامی ایران از مصاحبه‌ها با خبرگان مطرح در زمینه موضوع استفاده می‌شود؛ به‌طوری‌که کدهای استخراج‌شده از مصاحبه‌ها با بهره‌گیری از تحلیل تماتیک در تم‌ها جای داده می‌شوند. در جهت پاسخ به پرسش دوم پژوهش، با نگاه سیستمی و پویایی‌شناسانه و با تکیه بر نظریه پایه علیت تجمعی میردال ارتباط بین عوامل مؤثر بر فقر توسط نمودارهای علی (CLD) به نمایش درآمده و درنهایت خودتقویت‌کنندگی و تعادل نمودارهای علی مورد بررسی قرار گرفته و چند ساز و کار مداخله‌ای برای غلبه بر خود تقویت‌کنندگی سیستم پیشنهاد می‌شود.

ساماندهی مقاله حاضر بدین‌گونه است که بعد از مقدمه، در قسمت دوم ادبیات تحقیق شامل مبانی نظری و پیشینه پژوهش ذکر شده، سپس در قسمت سوم به معرفی روش تحقیق پرداخته و در قسمت چهارم یافته‌ها تجزیه و تحلیل می‌شوند و سرانجام در قسمت پنجم نتیجه‌گیری ارائه می‌شود.

۲. پیشینه پژوهش

در زمینه فقر و محرومیت تحقیقات قابل‌توجهی انجام شده که در ذیل برخی از مطالعاتی که به بررسی علل فقر پرداخته‌اند، به‌اختصار در قالب جدول‌های (۱) و (۲) ارائه شده است:

جدول ۱: دسته‌بندی مطالعات پیشین خارجی

نویسندگان (سال)	موضوع مورد مطالعه	دوره زمانی	روش بررسی	یافته اصلی پژوهش
آچیا و همکاران (۲۰۱۰)	عوامل مؤثر بر فقر در بین ۴۰۰ خانوار شهری و روستایی کنیا	۲۰۰۳	مدل لاجیت	سطح سواد سرپرست خانوار، بعد خانوار، تعداد احشام و روستایی یا شهری بودن خانوار بر احتمال خروج خانوارها از فقر مؤثر است.
دیویس و گاوس (۲۰۱۳)	عوامل مؤثر بر فقر در آفریقای جنوبی	۱۸ آوریل تا ۳۰ می ۲۰۰۶	رگرسیون حداقل مربعات معمولی	ابعاد ساختاری بیشتر از ابعاد فردگرایانه بر فقر در آفریقا جنوبی مؤثر است.
رودریگز (۲۰۱۵)	عوامل مؤثر بر فقر ایالت‌های هم‌مرز با آمریکا در مکزیک	۲۰۰۸	مدل پروبیت	بعد خانوار، سن سرپرست خانوار و سطح سواد سرپرست خانوار اثر معنی‌داری بر فقر دارند.

1. Causal Loop Diagram
2. Achia et al. (2010)
3. Davis & Gouws (2013)
4. Rodriguez (2015)

نویسندگان (سال)	موضوع مورد مطالعه	دوره زمانی	روش بررسی	یافته اصلی پژوهش
کیم و همکاران (۲۰۱۶)	عوامل مؤثر بر فقر در سطوح ایالت، منطقه، ناحیه، محله و خانوار در کشور هند	۲۰۰۹-۲۰۱۰ و ۲۰۱۱-۲۰۱۲	مدل لجستیک چندسطحی	بیشترین تأثیر را عوامل سطح فردی بر فقر داشته‌اند.
رن و همکاران (۲۰۱۷)	۱۳ منطقه فقیر کشور چین	-	مدل چندسطحی	سیاست‌های مبارزه با فقر می‌تواند در مناطق مختلف متفاوت باشد.
بیاسه و زوانه (۲۰۱۷)	عوامل تعیین‌کننده فقر در آفریقای جنوبی	۲۰۰۸-۲۰۱۴	پروبیت	آموزش، محل سکونت و نژاد سرپرست خانوار، وضعیت اشتغال و زناشویی سرپرست خانوار، نسبت وابستگی و جنسیت سرپرست خانوار از عوامل مؤثر بر فقر خانوار هستند.
رودریگز و همکاران (۲۰۲۱)	عوامل مؤثر بر فقر در مکزیک	۲۰۱۸	پروبیت	خانوارهای با بیش از یک عضو و سرپرست زن یا گویش محلی به احتمال زیاد فقیر هستند.
اچمد و همکاران (۲۰۲۳)	عوامل مؤثر بر فقر در روستاهای منتخب اندونزی	-	رویکرد توصیفی و خطی چندگانه	در صورت عدم مدیریت صحیح، منابع طبیعی می‌تواند تأثیر منفی بر سطح فقر داشته باشد.
زنیک و سویکان (۲۰۲۳)	بررسی احتمال فقر شدن زنان در آنتالیا	-	لاجیت ترتیبی	در مبارزه با فقر زنان، توانمندسازی و آموزش و بهبود درآمد و اشتغال می‌تواند نتایج مثبتی داشته باشد.

جدول ۲: دسته‌بندی مطالعات پیشین داخلی

نویسندگان (سال)	موضوع مورد مطالعه	دوره زمانی	روش بررسی	یافته اصلی پژوهش
حسن‌زاده (۱۳۷۹)	شناسایی عوامل مؤثر بر فقر در ایران	۱۳۷۰-۱۳۷۵	حداقل مربعات معمولی	سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی، اصلاح ساختار توزیع درآمد و ثروت، رشد شهرنشینی و صنعتی‌شدن مهم‌ترین عوامل مؤثر بر کاهش فقر در ایران هستند.
محمدزاده و همکاران (۱۳۸۹)	بررسی فقر و عوامل تعیین‌کننده آن در بین خانوارهای کشور	۱۳۸۷	پروبیت	تحصیلات سرپرست خانوار و جنسیت سرپرست خانوار، سن سرپرست خانوار، نسبت تعداد افراد دارای درآمد در خانوار و بعد خانوار در کاهش احتمال فقر خانوارها مؤثر می‌باشند.
حسنوند (۱۳۹۶)	بررسی تأثیر حداقل دستمزد بر نابرابری درآمد و فقر در ایران	۱۳۵۷-۱۳۹۴	الگوی خودرگرسیون برداراری	رشد حداقل دستمزد سبب کاهش نابرابری درآمد و فقر در ایران شده است.

1. Kim et al. (2016)
2. Ren et al. (2017)
3. Biyase & Zwane (2017)
4. Rodriguez et al. (2021)
5. Achmad et al. (2023)
6. Zambak & Soykan (2023)

نویسندگان (سال)	موضوع مورد مطالعه	دوره زمانی	روش بررسی	یافته اصلی پژوهش
سالم و عرب‌یارمحمدی (۱۳۹۷)	بررسی عوامل مؤثر بر فقر چندبعدی در استان‌های ایران	۱۳۸۴-۱۳۹۴	داده‌های پنل و شاخص آلکیر و فوستر	در گروه عوامل فردی سال‌های تحصیل سرپرست خانوار، درجه استقلال تعداد اعضای خانوار و درنهایت بعد خانوار و در بین متغیرهای سطح کلان، نرخ تورم (با یک دوره وقفه) مهم‌ترین و مؤثرترین متغیر (از لحاظ بزرگی ضریب) بر شاخص فقر چندبعدی است.
علیزاده و همکاران (۱۴۰۰)	تحلیل فضایی اثر تورم و بیکاری بر فقر در استان‌های ایران	۱۳۸۵-۱۳۹۷	رویکرد اقتصادسنجی فضایی	بیکاری و نرخ تورم عواملی هستند که باعث بدتر شدن توزیع درآمد و افزایش فقر در استان‌های ایران شده‌اند. همچنین مجاورت فضایی بین استان‌ها باعث بدتر شدن توزیع درآمد می‌شود.
رضوی و همکاران (۱۴۰۰)	بررسی سیستمی فقر در ایران	-	الگوسازی تشریحی- ساختاری	چهار جزء تسهیلات خرد، آموزش، کمک‌های بلاعوض و تأمین اجتماعی به‌عنوان عوامل برون‌زا و راهبردی مؤثر بر فقر در نظر گرفته شدند.

وجه تمایز پژوهش حاضر با سایر تحقیقات انجام‌شده در این است که در مطالعه حاضر عوامل مؤثر بر فقر در جمهوری اسلامی ایران از طریق مصاحبه با خبرگان ملی شناسایی و تحلیل شده است. در ادامه عوامل شناسایی‌شده با استفاده از تحلیل تماتیک در تم‌هایی تحت عناوین (ساختار فرهنگی، ساختار سیاسی، ساختار آموزشی و ساختار تولید) جای داده شده‌اند. در گام بعدی با توجه به علیت تجمعی و دور باطل فقر که توسط میردال مطرح شده است با نگاهی پویایی‌شناسانه و رویکرد سیستمی با استفاده از نمودارهای CLD مکانیسم تعامل بین عوامل مؤثر بر فقر در جمهوری اسلامی ایران در ذیل هریک از تم‌ها رسم شده است. سپس تعامل بین تم‌ها (ساختار فرهنگی، ساختار سیاسی، ساختار آموزشی و ساختار تولید) نیز با استفاده از نمودار CLD به نمایش درآمده است. در انتها جهت غلبه بر دور باطل فقر و خودتقویت‌کنندگی سیستم، سازوکارهای مداخله‌ای پیشنهاد شده است.

۳. مبانی نظری

فقر در عام‌ترین معنای آن فقدان مایحتاج است. غذا، سرپناه، مراقبت‌های بهداشتی و درمانی برای همه انسان‌ها به‌دلیل حفظ کرامت انسانی ضروری است. با این حال، آنچه برای یک فرد ضروری تلقی می‌شود، ممکن است برای دیگران ضروری نباشد. نیاز برای هر شخص با استفاده از تعریف اجتماعی

۱. سوالات مصاحبه به‌گونه‌ای مطرح شد که پاسخ‌های مربوط به آن‌ها دارای نگاه همه‌جانبه به فقر و عوامل مؤثر بر آن باشد؛ به‌طوری‌که عوامل مؤثر بر فقر صرفاً به عوامل اقتصادی محدود نشود.

و تجربه گذشته مشخص می‌شود (سن، ۱۹۹۹). به‌زعم ولنتاین^۲ جوهر فقر نابرابری است (ولنتاین، ۱۹۶۸). به عبارت دیگر، معنای اصلی فقر، محرومیت نسبی است.

اندیشمندان بسیاری در مورد علل فقر در کشورها نظریه‌پردازی کرده‌اند. تئوری‌های مطرح‌شده در مورد عوامل مؤثر بر فقر، مطابق تقسیم‌بندی مطالعه برادشاو^۳ (۲۰۰۷) در پنج دسته جای می‌گیرند. این پنج دسته عبارتند از: ریشه‌های فردی، ساختار فرهنگی، ساختار سیاسی - اقتصادی، جغرافیایی و علیت تجمعی و چرخه‌ای. به عبارت دیگر، در هر دسته متغیری شناسایی شده که بیشترین ارتباط را با ایجاد فقر دارد. هریک از دسته‌ها در ذیل به تفصیل مورد بحث قرار گرفته‌اند:

۱. رویکرد فردی (کمبودهای فردی)^۴: در این رویکرد، فرد مسئول وضعیت خود است. به‌طور معمول، نظریه‌پردازان محافظه‌کار سیاسی، افراد در فقر را به خاطر ایجاد مشکلات خود سرزنش می‌کنند و استدلال می‌کنند که با کار سخت‌تر و انتخاب‌های بهتر، فقرا می‌توانستند از مشکلات خود اجتناب کنند (و اکنون می‌توانند آن‌ها را برطرف کنند). در این رویکرد، افراد شکست می‌خورند؛ زیرا به اندازه کافی تلاش نمی‌کنند. کسانی که موفق نمی‌شوند باید با این واقعیت روبه‌رو شوند که خودشان مسئول شکست خود هستند. به عبارت دیگر، فرمول ساده موفقیت در این رویکرد، کار سخت است (برادشاو، ۲۰۰۷). گفتنی است که این رویکرد از افسانه آمریکایی هوراشیو الجرّه که هر فردی می‌تواند با مهارت و کار سخت موفق شود و انگیزه و پشتکار تنها چیزی است که برای رسیدن به موفقیت لازم است، نشأت گرفته است (آسن، ۲۰۰۲). اقتصاد نئوکلاسیک نیز علت فقر را در کمبودهای فردی جست‌وجو می‌کند. فرض اصلی این پارادایم غالب برای مطالعه شرایط منتهی به فقر این است که افراد با فرض دارا بودن اطلاعات کامل به دنبال به حداکثر رساندن رفاه خود با انتخاب و سرمایه‌گذاری هستند. هنگامی که برخی افراد بازده کوتاه‌مدت (به‌عنوان مثال چشم‌پوشی از تحصیلات دانشگاهی یا آموزش‌های دیگر که منجر به مشاغل با درآمد بهتر در آینده می‌شود) را انتخاب کنند، در این مورد است که تئوری اقتصادی، فرد را مسئول انتخاب‌های فردی خود می‌داند (برادشاو، ۲۰۰۷).

۲. ساختار فرهنگی^۵: در این رویکرد فقر ناشی از سیستم‌های اعتقادی و فرهنگی است که از خرده فرهنگ‌های فقر حمایت می‌کنند. به عبارت دیگر، فقر و علت آن در فرهنگ فقر^۸ ریشه دارد. این علت اغلب بر علل دیگر نیز تأثیر می‌گذارد. اسکار لوئیس^۹، فرهنگ فقر را مجموعه‌ای از باورها و ارزش‌هایی

1. Sen (1999)
2. Valentine (1968)
3. Bradshaw (2007)
4. Individual Deficiencies
5. Horatio Alger myth
6. Asen (2002)
7. Cultural Belief Systems
8. Culture of Poverty
9. Oscar Lewis

می‌داند که از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. این نظریه نشان می‌دهد که فقر با انتقال مجموعه‌ای از باورها، ارزش‌ها و مهارت‌هایی که به‌طور اجتماعی ایجاد می‌شوند، اما به صورت فردی نگهداری می‌شوند، ایجاد می‌شود. در این رویکرد، افراد مقصر نیستند؛ زیرا قربانی خرده‌فرهنگ یا فرهنگ ناکارآمد خود هستند. فرهنگ به‌صورت اجتماعی ایجاد و تداوم می‌یابد و منعکس‌کننده تعامل فرد و جامعه است. تعامل اجتماعی، نظریه فرهنگ فقر را از نظریه‌های فردی که فقر را به‌طور صریح به توانایی‌ها و انگیزه‌های فردی مرتبط می‌کند، متفاوت می‌کند. این رویکرد در قالب لیبرالیسم فرهنگی جای می‌گیرد (بردی ۲۰۱۹ و برادشاو، ۲۰۰۷). بردی (۲۰۱۹) ساختار فرهنگی مؤثر بر فقر با انگیزه‌های افراد را در طبقه‌ای به نام تئوری‌های رفتاری قرار داده است. در این طبقه رفتار، مکانیسم کلیدی است که مستقیماً باعث فقر می‌شود (بردی، ۲۰۱۹).

۳. ساختار سیاسی، اقتصادی و اجتماعی: نظریه‌پردازان در این رویکرد، به فرد به‌عنوان منبع فقر نمی‌نگرند، بلکه به نظام اقتصادی، سیاسی و اجتماعی می‌نگرند که باعث می‌شود افراد فرصت‌ها و منابع محدودی برای دستیابی به درآمد و رفاه داشته باشند. تحقیقات و تئوری‌های این رویکرد تلاش می‌کنند تا مشکلی که رنک و همکاران^۳ (۲۰۰۳) ذکر کرده‌اند را برطرف کنند. رنک و همکاران (۲۰۰۳) معتقدند که محققان فقر به جای پرداختن به این واقعیت که بازی در وهله اول بازنده تولید می‌کند، بر روی افرادی که در بازی اقتصادی بازنده می‌شوند، تمرکز کرده‌اند (رنک و همکاران، ۲۰۰۳). روشنفکران اجتماعی قرن نوزدهم با بررسی اینکه چگونه سیستم‌های اجتماعی و اقتصادی تحت تأثیر قرار گرفته و وضعیت فقر را ایجاد کرده‌اند، نظریه‌های فردی فقر را مورد مذمت قرار دادند. برای مثال، مارکس^۴ نشان داد که چگونه نظام اقتصادی سرمایه‌داری «ارتش ذخیره بیکاران»^۵ را به‌عنوان یک استراتژی آگاهانه برای پایین نگه‌داشتن دستمزدها ایجاد کرده است. دورکیم^۶ نشان داد که حتی شخصی‌ترین اعمال (خودکشی) توسط سیستم‌های اجتماعی میانجی‌گری می‌شود. ادبیات فقر نشان می‌دهد که ساختار نظام اقتصادی به‌گونه‌ای است که افراد فقیر صرف‌نظر از اینکه چقدر شایستگی دارند، عقب می‌مانند (توبین^۷، ۱۹۹۴). ارتباط بین ثروت و قدرت نشان می‌دهد که افراد فقیر کمتر در بحث‌های سیاسی شرکت می‌کنند، منافع آن‌ها در فرآیند سیاسی آسیب‌پذیرتر است و در بسیاری از سطوح کنار گذاشته می‌شوند. انگ اجتماعی به گروه‌هایی از افراد به دلیل نژاد، جنسیت، ناتوانی، مذهب یا گروه‌بندی‌های دیگر باعث می‌شود که آن‌ها بدون توجه به توانایی‌های شخصی فرصت‌های محدودتری داشته باشند (بردی، ۲۰۱۹ و برادشاو، ۲۰۰۷).

1. Brady (2019).

2. Economic, Political, and Social Distortions or Discrimination

3. Rank et al. (2003)

4. Marx

5. reserve army of the unemployed

6. Durkheim

7. Tobin (1994)

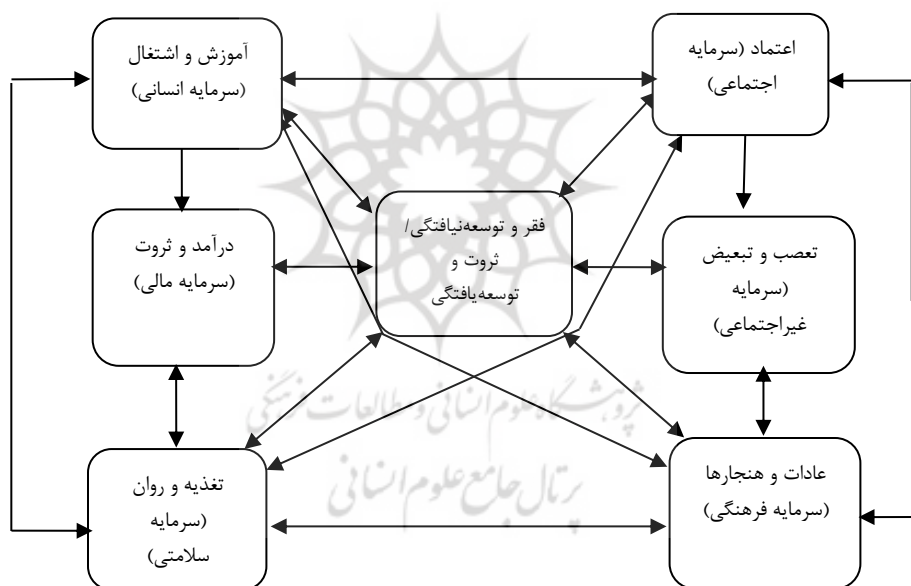
۴. نابرابری‌های جغرافیایی^۱: فقر روستایی، فقر محله‌نشین، عدم سرمایه‌گذاری شهری، فقر جنوب، فقر جهان سوم و مواردی از این قبیل، توصیف فضایی فقر را نشان می‌دهد که جدا از سایر نظریه‌های موجود است. این نظریه منطقه‌ای توجه را به این واقعیت جلب می‌کند که مردم، نهادها و فرهنگ‌ها در مناطق خاص جغرافیایی فاقد منابع مورد نیاز برای ایجاد رفاه، درآمد و قدرت بازتوزیع هستند. جغرافیای فقر، بیان فضایی نظام سرمایه‌داری است (برادشاو، ۲۰۰۷). این توضیحات شامل عدم سرمایه‌گذاری، نزدیکی به منابع طبیعی، تراکم، انتشار نوآوری و عوامل دیگر در برخی از مکان‌ها است (موریل و ولنبرگ، ۱۹۷۱).

۵. علیت تجمعی و چرخه‌ای^۲: آخرین نظریه مورد بحث راجع به فقر مطابق تقسیم‌بندی برادشاو علیت تجمعی و چرخه‌ای است. این نظریه پیچیده‌ترین نظریه بوده و تا حدی بر اجزای هریک از نظریه‌های دیگر بنا شده است. به این صورت که به فرد و جامعه‌اش به‌عنوان مارپیچی از فرصت‌ها و مشکلات می‌نگرد. مجموعه انباشته‌ای از مشکلات، هرگونه پاسخ مؤثر را تقریباً غیرممکن می‌سازد (برادشاو، ۲۰۰۰). منشأ این نظریه را می‌توان در کار میردال یافت که کمک شایانی به توسعه‌نیافتگی و توسعه اقتصادی کرده است (میردال، ۱۹۵۷).^۳ میردال خاطرنشان می‌کند که رفاه شخصی و رفاه جامعه درگیر مجموعه‌ای از روابط است. بحث میردال در مورد علل توسعه را می‌توان در منطق دور باطل جست‌وجو کرد. او معتقد است مردم به دلیل فقیر بودن بیمار هستند. آن‌ها فقیرتر شدند، زیرا بیمار بودند و بیمارتر شدند، زیرا فقیرتر بودند. واضح است که طی این فرآیند، وقتی یک عامل منفی با سایر متغیرهایی که سیستم را تشکیل می‌دهند در تعامل باشد، به‌طور فزاینده‌ای منفی می‌شود. این یافته برخلاف اصل مفهوم تعادل پایدار پیشنهاد شده توسط مکتب کلاسیک است. میردال معتقد است که سیستم به سمت تعادل نمی‌رود، بلکه از این موقعیت دور می‌شود. بنابراین، یک تغییر اولیه در تلاش برای تغییر کل سیستم در همان جهت تغییر، می‌تواند مثبت یا منفی باشد. با وجود این، فرآیند تغییر را می‌توان با تغییرات متغیرهایی که برای سیستم برون‌زا هستند، متوقف، هدایت یا کاهش داد. از جمله این متغیرها می‌توان به مداخله سیاسی برنامه‌ریزی‌شده اشاره کرد. میردال با استفاده از تحلیل پویا و رویکرد علیت تجمعی به تحلیل فقر می‌پردازد. در فرآیند مربوط به علیت تجمعی، متغیرهای A و B بر یکدیگر اثر می‌گذارند و این روند به‌صورت زنجیره‌ای ادامه می‌یابد. در نتیجه، نقطه تعادلی وجود نخواهد داشت (دادگر، ۱۳۸۳).

به اعتقاد میردال، مفهوم علیت تجمعی وسیله‌ای مؤثر برای تحلیل واقع‌بینانه از تحولات اجتماعی است. مطابق علیت تجمعی، سوءتغذیه افراد فقیر سبب بیماری و بیماری سبب کاهش قدرت جسمانی فرد می‌شود. برای فرد فقیر کاهش قدرت جسمانی به معنای نداشتن غذای کافی و امکان تحصیل و ... بوده که این به معنای باقی ماندن در فقر دائمی است. فقر اقشار پایین، آن‌ها را از تحصیل محروم

1. Geographical Disparities
2. Morrill & Wohlenberg (1971)
3. Cumulative and Cyclical
4. Myrdal (1957)

کرده و به‌صورت گسترده و عمیق در ورطه فقر و بیکاری دائمی می‌کشاند. از این‌رو، از نظر میردال، پدیده‌های اقتصادی و اجتماعی در کشورهای در حال توسعه دارای روابط علت و معلولی هستند. علت تجمعی، اثرات بازدارنده را تشدید می‌کند. در این روند، شرایط به نحوی تنظیم می‌شود که فقر عامل ایجاد فقر خواهد شد. از نظر میردال، یک کشور، فقیر است برای اینکه فقیر است. میردال معتقد است که تحلیل اقتصادی به یک رویکرد کل‌نگر نیاز دارد. در یک سیاست اقتصادی منسجم، مشکل خاصی وجود ندارد؛ بلکه همه مشکلات خاص به هم مرتبط هستند. او یک سیستم اجتماعی را متشکل از تعدادی شرایط علت مرتبط با یکدیگر تصور کرده که تغییر در هریک از شرایط باعث ایجاد تغییرات تجمعی در سایر شرایط می‌شود. به عبارت دیگر میردال علت تجمعی و چرخه‌ای را در فقر جوامع مؤثر می‌داند (لوندال و همکاران، ۱، ۲۰۲۰). مدل مفهومی علت تجمعی مؤثر بر فقر جوامع در قالب نمودار (۱) نشان داده شده است:



نمودار ۱: نمودار علت پویای عوامل فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر فقر
(منبع: اهارا، ۲۰۰۸)

نمودار (۱) نشان می‌دهد که فقر و توسعه‌نیافتگی - و نقطه مقابل آن، ثروت و توسعه - از نظر تاریخی با شش عامل و کانال اصلی به صورت پیچیده در ارتباط است. این عوامل شامل آموزش و اشتغال (کانال‌های سرمایه انسانی)، اعتماد (کانال‌های سرمایه اجتماعی)، تعصب و تبعیض (کانال‌های

سرمایه غیراجتماعی^۱، عادات، هنجارها و آداب (کانال‌های سرمایه فرهنگی)، تغذیه و روان (کانال‌های سرمایه سلامت) و درآمد و ثروت (کانال‌های سرمایه مالی) است. این شش شکل از سرمایه - انسانی، اجتماعی، غیراجتماعی، فرهنگی، بهداشتی و مالی - به تعیین فقر کمک کرده و به نوبه خود تحت تأثیر فرآیندهای مرتبط با فقر و توسعه‌نیافتگی (و نقطه مقابل آن، پیشرفت و توسعه) قرار می‌گیرند. نکته مهم در اینجا وابستگی متقابل است: عوامل به‌صورت چندگانه با هم تعامل دارند و از راه‌های پیچیده‌ای بر فقر و توسعه‌نیافتگی اثر می‌گذارند. همان‌طور که میردال اذعان داشت، پیوندها دایره‌ای هستند (به روش‌های پیچیده)، و تأثیر آن‌ها در طول زمان طولانی تمایل به تجمع دارد. تعاملات دایره‌ای و تجمعی عوامل بر فقر و توسعه‌نیافتگی و نیز پیشرفت و توسعه‌یافتگی تأثیر می‌گذارند. عوامل فرهنگی، نهادی، سیاسی و حتی روان‌شناختی در فرآیندهای اقتصادی نقش دارند و با تعاملات بازخوردی وارد عرصه می‌شوند. عناصر کمی و کیفی در این مجموعه، دارای وابستگی‌های متقابل مهم هستند (اهارا، ۲۰۰۸).

فقر نه تنها مشکلی اقتصادی، بلکه معضلی اجتماعی است. در نتیجه، عوامل متعدد فرهنگی به تصویر کشیده می‌شوند که فقر را ترویج می‌کنند و فقر را به سازه‌ای فرهنگی تبدیل می‌کنند. مجموعه خاصی از ویژگی‌های فرهنگی منفی، آسیب‌پذیری و فقر را در میان افرادی که دائماً در دام فقر افتاده‌اند، ایجاد و ترویج می‌کنند؛ زیرا این ویژگی‌ها از نسلی به نسل دیگر بازتولید می‌شوند. همان‌طور که ذکر شد، تقریباً همه نویسندگان بین نظریه‌هایی که علت فقر را در ضعف‌های فردی جست‌وجو کرده و نظریه‌هایی که علت فقر را پدیده‌های اجتماعی می‌دانند، تمایز قائل می‌شوند. رایان^۲ این دوگانگی را در قالب «مذمت علت»^۳ مطرح می‌کند (رایان، ۱۹۷۶). گلداسمیت و بلیکلی^۴ دو مفهوم «فقر به‌عنوان رویداد یا تصادف»^۵ و «فقر به‌عنوان ساختار»^۶ را از هم متمایز می‌کنند. شیلر^۷ این دوگانگی را در قالب شخصیت‌های معیوب، فرصت‌های محدود^۸ توضیح می‌دهد (شیلر، ۱۹۸۹). جنینگز^۹ در توضیح علت فقر، مفهوم فردی را در برابر جامعه بررسی کرده و بر پویایی‌های نژادی و سیاسی تأکید می‌کند (جنینگز، ۱۹۹۹). رنک تأکید می‌کند که تمرکز بر صفات فردی به‌عنوان عامل فقر، نابجا و نادرست است، نارسایی‌های ساختاری در نظام اقتصادی، سیاسی و اجتماعی علت محسوب می‌شود (رنک، ۲۰۰۴). تفاوت دیدگاه فردی و دیدگاه ساختاری نسبت به فقر در جدول (۳) به نمایش درآمده است:

1. Asocial Capital
2. Ryan (1976)
3. blaming the victim
4. Goldsmith & Blakely.
5. poverty as incident or accident
6. poverty as structure
7. Schiller (1989)
8. flawed characters, restricted opportunity
9. Jennings (1999)
10. Rank (2004)

جدول ۳: دیدگاه فردگرایانه و دیدگاه ساختاری نسبت به فقر

دیدگاه فردی	دیدگاه ساختاری
فقر یک مشکل فردی است که نتیجه شکست فقرا است.	فقر یک معضل اجتماعی است که نتیجه ناکامی‌های جامعه است.
منشأ فقر و علل تداوم آن در ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای خود افراد فقیر قرار دارد.	منشأ فقر و علل آن نهادهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی جامعه است.
فقر از نارسایی‌ها، ضعف‌ها و کمبودهای فقرا ناشی می‌شود.	فقر از نابرابری در توزیع قدرت، فرصت‌ها و منابع ناشی می‌شود.
فقر ناشی از ناتوانی یا عدم تمایل فقرا برای استفاده از فرصت‌های موجود است.	فقر ناشی از ناتوانی نظام‌های اقتصادی و سیاسی در ارائه فرصت‌های کافی است.
افراد فقیر از تصمیمات بد در زندگی رنج می‌برند.	افراد فقیر از گزینه‌های محدود رنج می‌برند.
موانع اولیه برای دستیابی به دستاوردهای اقتصادی داخلی هستند که در درون خود افراد قرار دارند.	موانع اصلی برای دستیابی به دستاوردهای اقتصادی خارجی هستند که در محیط اجتماعی بزرگ‌تر قرار دارند.
مشکل فقر تبدیلی، کم‌مهارتی و تحصیلات ضعیف کارگران است.	مشکل فقر مشاغل بد، کم درآمد و بدون هیچ نوع پیشرفتی است.
فقر یک معضل فرهنگی و اخلاقی است که ناشی از ضعف در ارزش‌های خانواده و زوال اخلاق کار است.	فقر یک معضل اقتصادی و سیاسی، استثمار اقتصادی و به حاشیه راندن فقرا است.
طبقه فقیر و متوسط در فرصت‌ها شبیه هم هستند، اما در ارزش‌ها و آرزوهایشان اساساً با هم تفاوت دارند.	طبقه فقیر و متوسط از نظر ارزش‌ها شبیه هم هستند، اما از نظر فرصت‌هایی که در اختیارشان قرار می‌گیرد، تفاوت اساسی دارند.
برابری فرصت‌ها وجود دارد؛ به‌طوری که افراد در یک زمین بازی تقریباً برابر با هم رقابت می‌کنند و همه شانس دستیابی به موفقیت اقتصادی را دارند.	نابرابری فرصت‌ها وجود دارد؛ به‌طوری که افراد در یک زمین بازی نابرابر رقابت می‌کنند و بسیاری از مردم از شانس دستیابی به موفقیت اقتصادی محروم هستند.
تعصب و تبعیض بر اساس نژاد/قومیت و جنسیت موانع قابل توجهی برای دستاوردهای اقتصادی ایجاد نمی‌کنند.	تعصب و تبعیض براساس نژاد/قومیت و جنسیت موانع مهمی بر سر راه دستاوردهای اقتصادی ایجاد می‌کنند.
انتخاب فردی بیش از محدودیت‌های محیطی بر توضیح نتایج اقتصادی افراد اهمیت دارد.	محدودیت‌های محیطی بیش از انتخاب فردی در توضیح نتایج اقتصادی افراد اهمیت دارد.
فقر نتیجه تصمیمات و انتخاب خود افراد فقیر است.	فقر نتیجه تصمیمات و انتخاب نخبگان اقتصادی و سیاسی است.
نتایج بازار کارآمد و منصفانه است و مداخله دولت برای کاهش فقر عموماً غیرضروری و نامطلوب است.	نتایج بازار ناکارآمد و ناعادلانه است و مداخله دولت برای کاهش فقر ضروری و مطلوب است.
با اصلاح فقرا به بهترین نحو می‌توان با فقر مبارزه کرد تا مهارت‌ها، نگرش‌ها و انگیزه‌های لازم برای رقابت موفق در بازار کار را در اختیار آن‌ها قرار گیرد.	با اصلاح و بازسازی بازار کار برای ایجاد فرصت‌های شغلی بهتر و افزایش درآمد کارگران کم‌دستمزد می‌توان با فقر به بهترین وجه مبارزه کرد.
تخصیص منابع ارزشمند در جامعه محصول تلاش فردی و توزیع توانایی است.	تخصیص منابع ارزش در جامعه محصول تضاد اجتماعی و توزیع قدرت است.
بهترین استراتژی برای فقرا برای غلبه بر فقر، بهبود مهارت‌های خود و تلاش بیشتر است.	بهترین استراتژی برای فقرا برای غلبه بر فقر، مشارکت در کنش سیاسی جمعی برای دستیابی به توزیع عادلانه‌تر منابع اجتماعی است.

(منبع: رویس، ۲۰۲۲)

۴. روش‌شناسی پژوهش

مطالعه حاضر به لحاظ هدف از نوع تحقیقات کاربردی بوده و از نظر تجزیه و تحلیل اطلاعات از نوع تحقیقات تحلیلی - اکتشافی است. پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های کیفی است. ابزار گردآوری اطلاعات مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته و عمیق است. از آنجا که هدف مطالعه حاضر شناسایی عوامل

مؤثر بر فقر در جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه خبرگان و صاحب‌نظران مسایل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ایران است با استفاده از نمونه‌گیری نظری تحت روش گلوله برفی نمونه‌ها انتخاب و مصاحبه صورت گرفت. مدت زمان هر مصاحبه به‌طور متوسط ۳۰ دقیقه می‌باشد که در پاییز ۱۴۰۱ انجام گرفته است. شایان گفتن است که بعد از کسب اجازه از هریک از خبرگان صحبت‌های آن‌ها ضبط و در گام بعدی به‌صورت نوشتاری در برنامه Office Word ثبت شدند. همان‌طور که پیش‌تر نیز اشاره شد، روش گردآوری اطلاعات در مطالعه حاضر مصاحبه‌های عمیق و نیمه‌ساختار می‌باشد که با انجام ۱۶ مصاحبه، پژوهش به اشباع نظری رسید. به منظور اطمینان از اینکه مصاحبه‌های بعدی اطلاعات جدیدی را به یافته‌های قبلی اضافه نمی‌کند، ۴ مصاحبه دیگر نیز انجام شد، ولی اطلاعات جدیدی به یافته‌های قبلی اضافه نگردید. از این‌رو، با انجام ۲۰ مصاحبه از اشباع نظری اطمینان حاصل شد و نمونه مطالعه مورد نظر ۲۰ مورد گردید که اطلاعات جمعیت‌شناختی آن‌ها در جدول (۴) ارائه شده است.

جدول ۴: اطلاعات جمعیت‌شناختی گروه خبرگان

شغل	جنس		تحصیلات		سن (سال)		
	مرد	زن	دکتری	کارشناسی ارشد	۳۵-۲۰	۵۰-۳۵	۶۵-۵۱
اعضای هیئت علمی رشته‌های علوم اقتصادی، علوم اجتماعی، تاریخ، جغرافیا و مدیریت	۱۱	۱	۱۲	۰	۰	۸	۴
سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان‌ها	۲	۱	۲	۱	۰	۲	۱
فعال حوزه کسب و کار	۳	۰	۳	۰	۰	۳	۰
پژوهشگر توسعه	۲	۰	۲	۰	۰	۲	۰
تعداد	۱۸	۲	۱۹	۱	۰	۱۵	۵
کل	۲۰		۲۰		۲۰		

(منبع: یافته‌های تحقیق)

بعد از شناسایی خبرگان و انجام مصاحبه‌های عمیق و نیمه‌ساختاریافته، روش تحلیل تماتیک^۱ مورد استفاده قرار گرفت. روش تحلیل تماتیک، روشی برای تحلیل داده‌های کیفی جهت شناسایی الگوی معنایی در مجموعه‌ای از داده‌ها است. این تحلیل، فرآیند شناسایی تم‌ها در بطن داده‌های کیفی است. در این روش الگوی مفهومی مناسب، با استفاده از داده‌های کیفی به‌دست آمده از مصاحبه‌ها به‌دست می‌آید. گفتنی است که جهت کدگذاری مصاحبه‌ها از نرم‌افزار MAXQDA بهره گرفته می‌شود. درنهایت کدهای مشخص‌شده در قالب عوامل مؤثر بر فقر در جمهوری اسلامی ایران دسته‌بندی و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در این مطالعه عوامل مؤثر بر فقر در جمهوری اسلامی

ایران در قالب چهار تم اصلی ساختار سیاسی، ساختار فرهنگی، ساختار تولید و ساختار آموزشی مطرح شده است. همچنین به منظور نمایش روابط پیچیده بین عوامل مؤثر بر فقر در جمهوری اسلامی ایران در قالب تم‌های اصلی و فرعی از رویکرد پویایی‌شناسانه کیفی و حلقه‌های بازخوردی در محیط نرم افزار Vensim 6.4E استفاده گردید. همان‌طور که در قسمت مقدمه بیان شد، رویکردی مورد نیاز است که بتواند ارتباط عوامل مؤثر بر فقر را در شکل‌دهی آن منعکس کند. از این‌رو، روابط بین تم‌های اصلی و فرعی استخراج‌شده از تحلیل تماتیک مصاحبه خبرگان با نگاهی پویایی‌شناسانه به تصویر کشیده می‌شود. استفاده از نگاهی پویایی‌شناسانه روشی برای شناخت سیستم‌های پیچیده اجتماعی، مدیریتی، اقتصادی یا زیست‌محیطی و ... است. این روش ابزاری برای نشان دادن روابط علت - معلولی در مورد یک مشکل در جامعه است (استرمن، ۲۰۰۰).

این رویکرد، ارتباطات مجموعه‌ای از متغیرهای درگیر در یک سیستم را ترسیم می‌کند. عناصر اساسی، عوامل و روابط هستند. عوامل متغیرهای داخل سیستم بوده و روابط با استفاده از فلش‌ها به نمایش درمی‌آیند. ارتباط بین متغیرهای سیستم با استفاده از حلقه‌های علی به نمایش درمی‌آید. حلقه‌های علی که نشان‌دهنده علیت هستند یک رابطه مفهومی بوده که روابط بین مجموعه‌ای از متغیرها را نشان می‌دهند؛ به‌طوری که این رابطه از یک متغیر شروع شده و در نهایت به همان متغیر می‌رسد. دو نوع علیت در مفهوم‌سازی سیستم مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ علیت مثبت و علیت منفی. علیت مثبت: این رابطه علی بیانگر تغییر یک طرفه بین علت و معلول است. به این معنی که اگر تغییر در علت بیشتر شود، معلول نیز بیشتر می‌شود. مثالی از علیت مثبت به شرح زیر است:

تولد $\xrightarrow{+}$ جمعیت

علیت منفی: این رابطه علی بیانگر جهت مخالف تغییر بین علت و معلول است. این بدان معناست که اگر تغییر در علت بیشتر شود، معلول کمتر می‌شود. نمونه‌ای از علیت منفی به شرح زیر است:

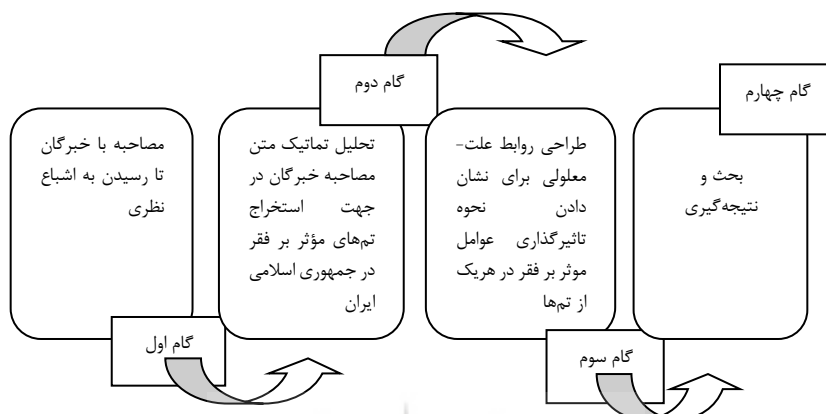
مرگ $\xrightarrow{-}$ جمعیت

اگر یک یا چند رابطه علی یک دایره بسته را تشکیل دهند، دایره بازخورد^۲ نامیده می‌شود. دو نوع بازخوردی که ظاهر می‌شوند، عبارتند از: ۱. بازخورد مثبت^۳ (تقویت‌کننده^۴) که با R نشان داده می‌شود؛ ۲. بازخورد منفی^۵ (خود اصلاحی^۶ و تعادل^۷) که با B نمایش داده می‌شود.

۱. بازخورد مثبت: این بازخورد زمانی اتفاق افتاد که رابطه علی بین اجزا به‌طور کلی مثبت باشد.
۲. بازخورد منفی: بازخورد منفی در شرایطی رخ می‌دهد که یک حلقه منفی تشکیل شود؛ زیرا در این حالت، رابطه علی بین عناصر مختلف در کل منفی است. در این حالت، بازخورد تمایل به

1. Sterman (2000)
2. Feedback
3. Positive Feedback
4. Reinforcing
5. Negative Feedback
6. Self-Correcting
7. Balancing

محدود کردن فرآیندهایی دارد که در سیستم اتفاق می افتد و سعی در یافتن تعادل دارد (احمد و کوستیوان، ۲۰۱۸).



نمودار ۲: گام‌های پژوهش

۵. بحث

در این قسمت قصد بر این است که مشخص شود چه علل و عواملی منجر شده است که طی دهه‌های اخیر و به‌رغم اینکه بحث مربوط به فقر و استراتژی‌های کاهش آن در دنیا مطرح بوده و در برخی از کشورها اقدامات اساسی در جهت کاهش فقر درآمدی و فقر چندبعدی صورت گرفته، در کشور ایران نه تنها وضعیت بهتر نشده بلکه کشور روز به روز با بحران‌های عظیمی در این زمینه مواجه است. به عبارت دیگر، هدف مطالعه حاضر، شناسایی عوامل مؤثر بر فقر در جمهوری اسلامی ایران و مکانیسم تعامل این عوامل می‌باشد. این سؤال در قالب مصاحبه نیمه‌ساختاریافته مطرح شد و مطابق پاسخ‌های دریافت‌شده عوامل مؤثر بر فقر در جمهوری اسلامی ایران در قالب چهار تم اصلی ساختار فرهنگی، ساختار سیاسی، ساختار تولید و ساختار آموزشی دسته‌بندی شدند که در ادامه مورد بحث قرار می‌گیرند.

۵-۱. عوامل ناشی از ساختار فرهنگی

این دسته از عوامل شامل ارزش‌ها، هنجارها، اعتقادات، عادات، خصوصیات بازیگران و راه و روش زندگی آن‌ها است که بر پدید آمدن پدیده فقر و استمرار آن مؤثرند؛ چراکه ساختار فرهنگی در بروز پدیده‌های اجتماعی نقش مؤثری دارد. اعتقاد هانز که فرهنگ در همه‌جا حضور دارد و اعتقاد لاندس^۱ که فرهنگ را ریشه تمام تفاوت‌ها می‌داند، مؤیدی بر این ادعاست. ساختار فرهنگی یک نیروی تعیین‌کننده، تحقق‌بخش، تسهیل‌کننده و توان‌دهنده یا بازدارنده، مقیدکننده یا مانع‌کنش می‌باشد.

کدهای شناسایی‌شده مربوط به ساختار فرهنگی به دو دسته پارادایم‌های ذهنی^۱ بازیگران (مردم و مسئولین) و فرهنگ فقر^۲ حادث‌شده در جامعه طبقه‌بندی شده که در قالب جدول (۵) به نمایش گذاشته شده است:

جدول ۵: عوامل ناشی از ساختار فرهنگی

فرهنگ فقر	پارادایم‌های ذهنی
جبرگرایی و تقدیرگرایی	حاکم بودن تفکر قبل از رنسانس در کشور
ضعف در فرهنگ تولید	اعتقاد به کافی بودن شرع برای حکومت‌داری
	عدم اعتقاد به برنامه و برنامه‌ریزی
	عدم اعتقاد به قانون و قانون‌گذاری
	دنبال کردن نفع شخصی در بین اعضای جامعه

(منبع: یافته‌های تحقیق)

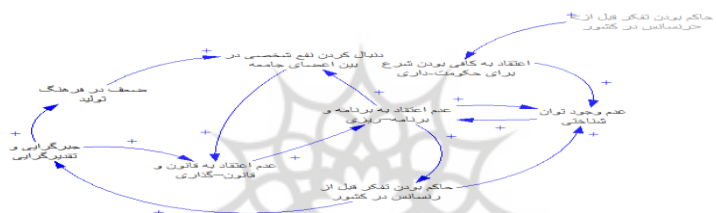
فرهنگ فقر: عناصر مربوط به فرهنگ فقر که در مطالعه حاضر شناسایی شده‌اند، عبارتند از جبرگرایی و تقدیرگرایی و ضعف در فرهنگ تولید.

در جامعه ایران تفکرهای پس‌برنده تبدیل به هنجارهایی شده که خصلت سازگاری با شرایط موجود در بازیگران شکل یافته است. منش فقر در جامعه حاکم شده و افراد با جامعه فقیرانه خود سازگاری پیدا کرده‌اند. شیوه‌ای از تفکر در جامعه رایج شده که فرد و جامعه را در فقر نگه می‌دارد. جبرگرایی و تقدیرگرایی در جامعه پدید آمده و پایدار شده است. تن سپردن به قضا و قدر، بدبینی نسبت به آینده، باور به عدم ایجاد تغییرات مثبت در آینده و باور به اینکه آینده بدتر از حال خواهد بود، باور به اینکه خلاقیت و تلاش راه به جایی نمی‌برد و بسیاری از افراد از طریق رانت به منصب رسیده‌اند، باعث خو گرفتن به وضع موجود و عدم تمایل به تغییر شده است. اعتماد به شرایط بهتر در افراد جامعه سرکوب شده و بی‌تفاوتی به شرایط موجود در آن‌ها به وجود آمده است. عدم وجود فرهنگ تولید در جامعه ایران به سبب وجود دلایلی همچون راحت‌طلبی، بروکراسی‌های اداری، عدم تضمین حقوق مالکیت، وجود رانت در همه ابعاد، حضور نهادهای تابع قدرت در اقتصاد، سودآور بودن فعالیت‌های واسطه‌گری نسبت به تولید و ... نهادهای شده است. شیوه‌ای از تفکر در جامعه رواج پیدا کرده که فرد و جامعه در باتلاق فقر گرفتار شده‌اند.

پارادایم‌های ذهنی: ریتزر بر این باور است که پارادایم ذهنی جهان اجتماعی را تولید کرده و خودش نیز تولیدشده جهان اجتماعی است (ریتزر^۳، ۱۳۸۷). عناصر شناسایی‌شده مربوط به پارادایم ذهنی که از عوامل موجد فقر در جمهوری اسلامی ایران هستند عبارتند از: عدم اعتقاد به برنامه و برنامه‌ریزی، عدم اعتقاد به قانون و قانون‌گذاری، حاکم بودن تفکر قبل از رنسانس در کشور، اعتقاد به کافی بودن شرع برای حکومت‌داری، دنبال کردن نفع شخصی در بین اعضای جامعه.

1. Mental paradigm
2. Culture of Poverty
3. Ritzer (1984)

خبرگان شرکت کننده در مصاحبه بیان می کنند که «عدم اعتقاد به برنامه و برنامه ریزی در همه جهات باعث شده است که برنامه جامع و مدونی برای کشور وجود نداشته باشد و کشور در قالب روزمرگی اداره شود. دنبال کردن نفع شخصی در بین اعضا جامعه باعث شده که افراد حاضر باشند به سود خود و به ضرر دیگری انواع فعالیت ها را انجام دهند. احتکارهای انجام شده در اقلام ضروری مردم جامعه را می توان به عنوان نمونه ای از ترجیح نفع شخصی به نفع جمعی مثال زد که به دور از ارزش های انسانی و ایرانی است. این مورد را می توان نشأت گرفته از تورم بنیادی موجود در جامعه دانست؛ چراکه تورم بنیادی نهادهای اخلاقی جامعه، اخلاق سرمایه گذاری، اخلاق اجتماعی و اخلاق کسب و کار را از بین می برد. همان طور که واضح است، عناصر مربوط به ساختار فرهنگی با متأثر ساختن تولید و نابرابری در به وجود آمدن فقر و شیوع آن در جامعه ایران تأثیرگذار بوده اند». روابط علی بین عناصر ساختار فرهنگی را می توان در قالب نمودار (۳) نمایش داد.



نمودار ۳: روابط علی بین عناصر ساختار فرهنگی
(منبع: یافته های تحقیق)

۵-۲. عوامل ناشی از ساختار سیاسی

عناصر مربوط به ساختار سیاسی شناسایی شده در میان مصاحبه های خبرگان، با کاهش دادن رشد اقتصادی و ایجاد نابرابری بر فقر در جمهوری اسلامی ایران اثر قابل توجهی داشته اند. این عناصر عبارتند از: نظم با دسترسی محدود، حضور نهادهای تابع قدرت در اقتصاد، انزوای سیاسی، عدم تضمین حقوق مالکیت، عدم شفافیت در دسترسی به اطلاعات، عدم وجود آزادی بیان در مطبوعات، رانت، عدم وجود مکانیسم قوی برای نظارت، قوی نبودن اتحادیه های کارگری، پاسخگو نبودن نظام حکومتی ایران، عدم وجود دولت محلی قوی، عدم اعتقاد به قانون و قانون گذاری، عدم آموزش مطالبه گری در مدرسه و دانشگاه.

نظم با دسترسی محدود ۱ حاصل توافق اعضای قدرتمند یک جامعه جهت از بین بردن خشونت است که در آن اعضا با هم ائتلافی را تشکیل داده که اساس دوام این ائتلاف تقسیم رانت میان اعضا است. در این نوع حکومت، نظام سیاسی به وسیله دستکاری نظام اقتصادی، رانت تولید کرده و بقای خود را تأمین می کند. این شیوه اداره جامعه هرچند خشونت را از بین می برد، مضراتی را نیز به همراه

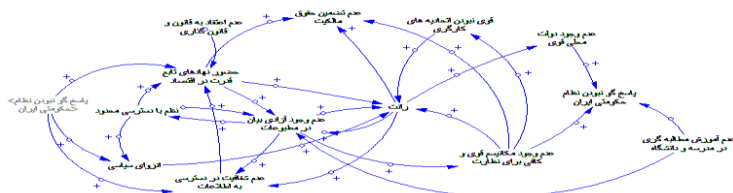
دارد که مهم‌ترین آن‌ها مختل شدن رشد بلندمدت است (نورث و همکاران، ۲۰۰۹). با مختل شدن رشد در بلندمدت زمینه فقر و محرومیت فراهم می‌شود. در نظم با دسترسی آزاد^۲ چنین فعالیت‌هایی برای اقشار وسیع جامعه مجاز است. این دسترسی به بخش فقیرتر جامعه اجازه می‌دهد تا با نفوذ سیاسی (مثلاً افزایش توزیع مجدد) یا با درگیر شدن در فعالیت‌های اقتصادی سودآور، به دنبال سود اقتصادی باشد (دورفل و فریتاگ^۳، ۲۰۲۳). حکومت‌های حاکم در ایران در طول تاریخ با ایجاد ائتلافی در راستای توزیع رانت بین خودشان جامعه را از خشونت در امان نگه داشته‌اند. همان‌طور که پیش‌تر نیز اشاره شد این مورد مانع عظیمی در دستیابی به رشد اقتصادی بوده و نابرابری را به میزان قابل توجهی افزایش می‌دهد. خبرگان بیان داشتند که تنها راه دستیابی به رشد اقتصادی پایدار نظم با دسترسی آزاد است. توجه به برخی از شواهد نشان می‌دهد که الزامات نظم با دسترسی آزاد (نظم دموکراتیک) در ایران وجود ندارد. ضعف نهادهای سیاسی و مدنی از جمله موضوعاتی است که در مطالعات مختلف از جمله کاتوزیان (۱۳۸۰)، بشیریه (۱۳۸۴) و سریع‌القلم (۱۳۸۶) بدان اشاره شده است. در انتخابات‌های مختلف عملاً هیچ حزبی نقش فعال ندارد و کاندیدا نماینده احزاب مختلف نیستند. انتخابات دوی درد در کشوری همچون کشور ایران نیست. ایران نیازمند احزاب و نهادهای مدنی قوی برای پاسخگو کردن نظام حکومتی و حمایت قوی از رقابت سیاسی و اقتصادی است. خبرگان اذعان داشتند که «نظم با دسترسی محدود باعث حضور نهادهای تابع قدرت در اقتصاد ایران شده است. حضور نهادهای تابع قدرت در اقتصاد عدم تضمین حقوق مالکیت را فراهم کرده که کاهش تولید و رشد اقتصادی را از طریق کاهش سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی رقم زده است». این نتیجه با مطالعه اولسون (۱۹۹۳) سازگار است. از دیگر سو، به‌زعم خبرگان «پاسخگو نبودن نظام حکومتی ایران که خود معلول نظم با دسترسی محدود است انزوای سیاسی برای ایران را رقم زده است؛ به‌طوری که به دلیل عدم توان رقابت و فاصله گرفتن از اقتصاد جهان، اقتصاد ایران کوچک و کوچک‌تر شده است. انزوای سیاسی خود نیز در به وجود آمدن رانت در جامعه مؤثر بوده است».

از نظر خبرگان شرکت‌کننده در مصاحبه «نظم با دسترسی محدود، باعث مختل شدن آزادی بیان در مطبوعات شده و شناخت بهتر سیاست‌گذاران در مورد افراد فقیر را کاهش می‌دهد. حال آنکه نظم با دسترسی باز اجازه می‌دهد اطلاعات بهتری از طریق آزادی مطبوعات جریان یابد. این امر، منجر به شناخت بهتر سیاست‌گذاران در مورد جامعه و افراد فقیر می‌شود». این نتیجه با مطالعات سن (۱۹۸۱)، راس^۴ (۲۰۰۶) و برمنوه (۲۰۰۹) سازگار است. خبرگان بیان می‌دارند که «یکی از دلایل نبود آزادی بیان در مطبوعات حضور نهادهای تابع قدرت در اقتصاد بوده که نشأت گرفته از

1. North et al. (2009)
2. open access orders
3. Dorffel & Freytag (2023)
4. Ross (2006)
5. Bermeo (2009)

پاسخگو نبودن نظام حکومتی ایران است. پاسخگو نبودن نظام حکومتی ایران خود معلول عدم وجود مکانیسم قوی و کافی برای نظارت است.»

روابط علی بین عناصر ساختار سیاسی در قالب نمودار (۴) به نمایش درآمده است.



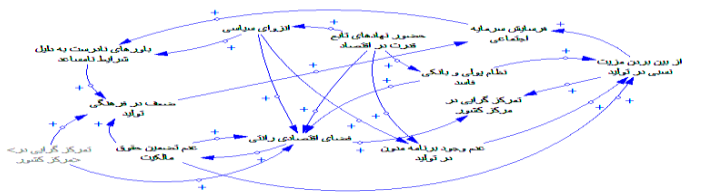
نمودار ۴: روابط علی بین عناصر ساختار سیاسی

(منبع: یافته‌های تحقیق)

۵-۳. عوامل ناشی از ساختار تولید

عناصر مربوط به ساختار تولید که از مصاحبه انجام شده طی کدگذاری استخراج شد عبارتند از: باورهای نادرست به دلیل شرایط نامساعد، ضعف در فرهنگ تولید، عدم تضمین حقوق مالکیت، انزوای سیاسی، فرسایش سرمایه اجتماعی، از بین بردن مزیت نسبی در تولید، نظام پولی و بانکی فاسد، حضور نهادهای تابع قدرت در اقتصاد، عدم وجود برنامه مدون در تولید، تمرکز گرایی در مرکز کشور و فضای اقتصاد رانتی.

توزیع درآمد حاصل از فروش نفت در مرکز کشور، موجبات تضعیف استان‌های پیرامون را فراهم آورده است. تضعیف استان‌های پیرامون باعث عدم بروز مزیت نسبی استان‌ها در تولید و تمرکزگرایی شدید در مرکز کشور شده است. از دیگر سو، فضای اقتصاد رانتی موجود در کشور نیز بر تمرکزگرایی که در مرکز کشور به وجود آمده است، دامن زده و از آن تأثیر پذیرفته است. فضای اقتصاد رانتی خود معلول انزوای سیاسی، حضور نهادهای تابع قدرت در اقتصاد، نظام پولی و بانکی فاسد و عدم تضمین حقوق مالکیت است. شایان گفتن است که فضای اقتصاد رانتی خود موجب عدم تضمین حقوق مالکیت است. از دیگر سو عدم تضمین حقوق مالکیت نیز موجبات ضعیف شدن فرهنگ تولید و از بین رفتن مزیت نسبی استان‌های مختلف در تولید را فراهم می‌کند. روابط علی بین عناصر ساختار تولید در قالب نمودار (۵) به نمایش درآمده است.



نمودار ۵: روابط علی بین عناصر ساختار تولید

(منبع: یافته‌های تحقیق)

۵-۴. عوامل ناشی از ساختار آموزشی

عناصر مربوط به ساختار آموزش که از مصاحبه انجام‌شده طی کدگذاری استخراج شد عبارتند از: نظام آموزشی طبقاتی، عدم آموزش مطالبه‌گری در مدرسه و دانشگاه، عدم وجود علم‌باوری، عدم تربیت نیروی انسانی بهره‌ور، عدم آموزش در راستای ارتباط فرد با جامعه، عدم تناسب آموزش با نیاز جامعه.

در رابطه با تعامل آموزش و فقر می‌توان اذعان داشت که بدون آموزش کافی و متناسب با جامعه، فرد و جامعه به زندگی فقیرانه محدود می‌شوند. در این باره حتی سن نیز پا را فراتر گذاشته و بیان می‌کند که آموزش ناکافی می‌تواند به خودی خود، نوعی فقر در بسیاری از جوامع در نظر گرفته شود (سن، ۱۹۹۲ و ۲۰۰۱). آموزش باعث رشد اقتصادی و توسعه کشورها می‌شود. البته این مورد زمانی صدق می‌کند که هم کمیت و هم کیفیت آموزش مدنظر قرار گیرد. شواهدی که نشان می‌دهد کمیت آموزش باعث ایجاد تفاوت در رشد اقتصادی می‌شود، آنقدر که اغلب تصور می‌شود قوی نیست (لوی و رنلت، ۱۹۹۲). این تغییرات در کیفیت آموزش است که رشد اقتصادی در کشور را فراهم می‌آورد. افزایش نرخ رشد اقتصادی می‌تواند فقر را به‌طور چشمگیری کاهش دهد. به این ترتیب، آموزش بهتر می‌تواند به رشد پایدار تبدیل شود که می‌تواند فقر را به‌شدت کاهش دهد.

در کشور ایران از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی ایران مطابق اصل سی‌ام قانون اساسی آموزش رایگان تا پایان متوسطه و گسترش وسایل تحصیلات عالی تا سر حد خودکفایی کشور به‌طور رایگان مدنظر قرار گرفته است؛ به‌طوری که نرخ باسوادی از ۴۷/۵ درصد در آبان ۱۳۵۵ به ۸۷/۶ درصد در آبان ۱۳۹۵ رسیده است (مرکز آمار ایران، سالنامه‌های آماری کشور، ۱۴۰۰). این درحالی است که بهره‌وری نیروی کار ۲ در دوره زمانی ۱۳۵۵-۱۳۹۵ حدود ۱۰/۶۷ درصد رشد داشته است (پایگاه داده سازمان بهره‌وری آسیایی، ۲۰۲۲). این امر نشان‌دهنده این است که آنچه در نظام آموزشی کشور مغفول مانده توجه به کیفیت آموزش است که در سال‌های اخیر به‌طور بارز خودنمایی کرده است. نظام آموزشی کشور در سطح آموزش و پرورش و در سطح آموزش عالی توجهی به تربیت نیروی کار بهره‌ور نداشته است. با توجه به اینکه بهره‌وری حلقه مفقوده نظام آموزش کشور است می‌توان اذعان داشت که بیکاری نیروی جوان و تحصیلکرده، فقر بین اقشار تحصیلکرده و بخشی از عدم وجود رشد اقتصادی مستمر و پایدار را می‌توان به نظام آموزش کشور نسبت داد. از دیگر سو، نبود تناسب بین آموزش در نظام آموزشی و نیاز جامعه بر بیکاری قشر تحصیلکرده و بروز فقر بین این اقشار تأثیرگذار بوده است.

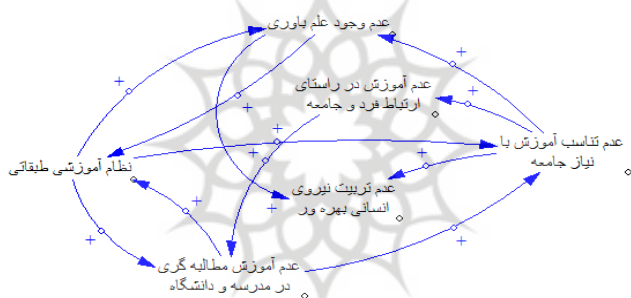
1. Levine & Renelt.

2. Labor Productivity

3. Data Base of Asian Productivity Organization (2022)

نظام آموزش طبقاتی که در سال‌های اخیر گریبان‌گیر نظام آموزشی ایران شده است، آینده بسیاری از دانش‌آموزان قشر متوسط و پایین جامعه را با خطرات جدی مواجه کرده است. دانش‌آموزانی که در خانواده‌های ثروتمند زندگی می‌کنند، نه به دلیل هوش و استعداد، بلکه به دلیل شرکت در مدارس و کلاس‌های خصوصی که هزینه‌های هنگفتی برای شرکت در آن‌ها لازم است کرسی‌های مربوط به رشته‌های آینده‌دار و پول‌ساز در ایران را اشغال می‌کنند. رقابت نابرابر ناشی از نابرابری درآمد باعث سرخوردگی و طرد شدن از اجتماع بسیاری از دانش‌آموزان قشر متوسط و پایین جامعه می‌شود. چنین طردشدگی و محرومیتی آینده نامساعد شغلی را برای این افراد فراهم می‌کند.

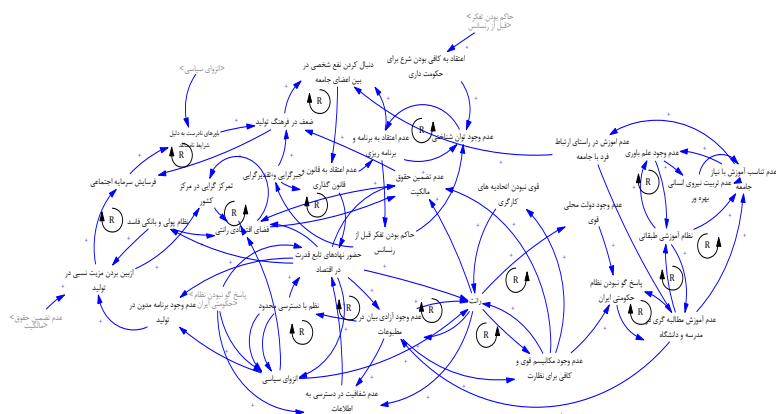
خبرگان بیان می‌دارند که «عدم وجود علم‌باوری در کشور که از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی ایران کم و بیش در جامعه وجود داشته است، در سال‌های اخیر نمود بیشتری یافته است. اداره کردن کشور با روزمرگی بدون اعتقاد به علم و برنامه، آسیب‌های جبران‌ناپذیری برای کشور داشته است».



نمودار ۶: روابط علی بین عناصر ساختار آموزشی
(منبع: یافته‌های تحقیق)

۵-۵. روابط علی بین تم‌های اصلی عوامل مؤثر بر فقر در جمهوری اسلامی ایران

برخلاف تصور بسیاری از مسئولین و افراد جامعه فقر مشکل ساده و خطی نبوده، بلکه بیماری پیچیده و سیستمی است. در یک سیستم مشکل خاصی وجود نداشته، بلکه تمام مشکلات به هم مرتبط هستند؛ فلذا در این بخش نمودار روابط علی بین تم‌های اصلی عوامل مؤثر بر فقر در جمهوری اسلامی ایران در قالب نمودار (۷) ارائه شده است. درواقع با تلفیق چهار الگوی ترسیم‌شده در بخش‌های قبلی که روابط علی بین عناصر هر تم را به نمایش می‌گذاشت، در این شکل رابطه علی بین تم‌های اصلی قابل مشاهده است.



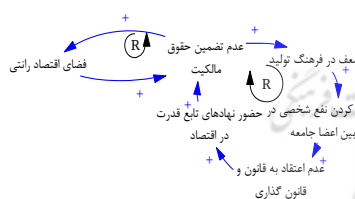
نمودار ۷: روابط علی بین عناصر تم‌های اصلی

(منبع: یافته‌های تحقیق)

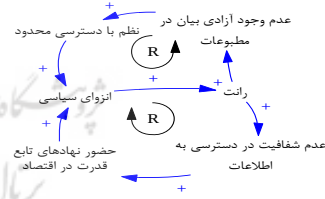
همان‌طور که در نمودار (۷) قابل مشاهده است رابطه علی بین تم‌های اصلی دچار روند خودتقویت‌کننده است؛ لذا برای شکستن این روند نیاز به سازوکارهای مداخله‌ای است که در ذیل به چند نمونه از آن‌ها اشاره شده است.

اقدامات مداخله‌ای جهت تضعیف روند خودتقویت‌کننده (R) و رسیدن به تعادل (B)

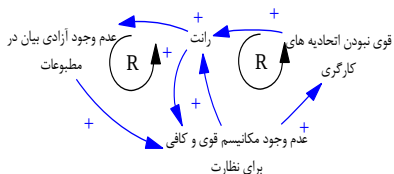
سازوکار تضمین حقوق مالکیت



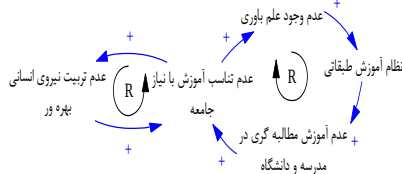
سازوکار ترمیم روابط بین الملل



سازوکار تشکیل احزاب قدرتمند



سازوکار توانمندسازی



سازوکارهای مداخله‌ای فوق با تبدیل روند خودتقویت‌کننده به روند تعادلی از انحلال سیستم ترسیم‌شده در شکل (۷) جلوگیری می‌کند.

۶. نتیجه گیری

پژوهش حاضر از نوع تحقیقات تحلیلی - اکتشافی است. این پژوهش درصدد پاسخ به دو سؤال برآمده است: سؤال اول پژوهش در پی بررسی عوامل مؤثر بر فقر در جمهوری اسلامی ایران در قالب تم‌های مطرح‌شده در مبانی نظری است. سؤال دوم پژوهش درصدد بررسی مکانیسم تعامل عوامل مؤثر بر فقر در هریک از تم‌ها با استفاده از نمودارهای علی و برقراری ارتباط بین نمودارهای علی است. برای پاسخ به سؤال اول از تحلیل تماتیک بهره گرفته شده است و سؤال دوم با استفاده از رویکرد پویایی سیستم کیفی و نمودار علت و معلولی پاسخ داده شده است.

نتایج حاصل از تحلیل تماتیک نشان می‌دهد که چهار تم اصلی ساختار فرهنگی، ساختار سیاسی، ساختار تولید و ساختار آموزش در قالب رویکرد علیت تجمعی در فقر جمهوری اسلامی ایران مؤثر است. یافته‌های مطالعه حاضر با مطالب مطرح‌شده در مبانی نظری همخوانی داشته؛ اما در این بین ساختار آموزشی که در مبانی نظری ذکر شده مغفول مانده بود در بین عوامل مؤثر بر فقر در ایران خودنمایی کرده است که از دلایل آن می‌توان به ساختار آموزشی خاص که در ایران وجود دارد اشاره کرد. در بخش بعدی روابط علی بین کدهای هریک از تم‌ها با استفاده از نمودارهای علی و در قالب رویکرد پویایی سیستم بررسی شد. درنهایت روابط علی بین تم‌های اصلی (ساختار فرهنگی، ساختار سیاسی، ساختار تولید و ساختار آموزش) به‌عنوان عوامل مؤثر بر فقر در جمهوری اسلامی ایران نیز نمایش داده شده است. در این مطالعه نشان داده شد که چگونه مشکلات متعدد به دلیل علیت تجمعی انباشته شده و به سیاست‌گذاران فرصت‌شناس این فرصت را می‌دهد که با به‌کارگیری تمهیدات و سازوکار مداخله‌ای موجبات شکستن حلقه‌های (نمودار علی) دور باطل را فراهم آورند؛ چراکه به دلیل وجود روند خودتقویت‌کنندگی در صورت عدم اتخاذ سازوکار مداخله‌ای موجبات انحلال سیستم فراهم می‌شود. در مطالعه حاضر چند سازوکار مداخله‌ای که برآمده از نتایج تحقیق است جهت شکستن حلقه‌های دور باطل ارائه شده است. این سازوکارها عبارتند از سازوکار ترمیم روابط بین‌الملل، سازوکار تضمین حقوق مالکیت، سازوکار توانمندسازی و سازوکار تشکیل احزاب قدرتمند.

References

- Achia, T.N., Wangombe, A. & Khadioli, N. (2010). A Logistic Regression Model to Identify Key Determinants of Poverty Using Demographic and Health Survey Data. *European Journal of Social Sciences* 13(1), 38-45.
- Ahmad, F. & Kustiwan, I. (2019, January). Understanding Poverty in the Development Context and Poverty Reduction Policy Using System Dynamics Approach. In *Achieving and Sustaining SDGs 2018 Conference: Harnessing the Power of Frontier Technology to Achieve the Sustainable Development Goals (ASSDG 2018)* (pp. 59-78). Atlantis Press.
- Achmad, W., Sidiq, S.S. & Prawira, R.Y. (2023). Analysis of the Factors Affecting Poverty in Padasari Village. *Jurnal Ilmu Sosial dan Humaniora*, 12(1), 189-194.
- Alcock, P. (2006). Understanding poverty. palgrave.
- Agola, N.O. & Awange, J. L. (2014). *Globalized Poverty and Environment 21st Century Challenges and Innovative Solutions*. Berlin: Springer.
- Alizadeh. Sh., Eyvazloo. H. & Motallebi. M. (2022). Spatial Analysis of the Effect of Inflation and Unemployment on Poverty in the Irans Provinces. *Journal of Computatiional Economics*, 1(1), 1-24. [In Persian]
- Brady, D. (2019). Theories of the Causes of Poverty. *Annual Review of Sociology*, 45, 155-175
- Bradshaw, T.K. (2000). Complex Community Development Projects: Collaboration, Comprehensive Programs and Community Coalitions in Complex Society. *Community Development Journal*, 35(2), 133-145.
- Bradshaw, T.K. (2007). Theories of poverty and anti-poverty programs in community development. *Community Development*, 38(1), 7-25.
- Bermeo, N. (2009). Poverty, Inequality, and Democracy (II): Does Electoral Democracy Boost Economic Equality? *Journal of Democracy* 20.4. Publisher: Johns Hopkins University Press: 21–35.
- Databook, A.P. (2022). Published by the Asian Productivity Organization,. Published by the Asian Productivity Organization, www.apotokyo.org.
- Dörffel, C. & Freytag, A. (2021). The poverty effect of democratization (No. 2021-017). Jena Economic Research Papers.
- Davids, Y.D. & Gouws, A. (2013). Monitoring perceptions of the causes of poverty in South Africa. *Social indicators research*, 110, 1201-1220.
- Galli, F., Cavicchi, A. & Brunori, G. (2019). Food waste reduction and food poverty alleviation: a system dynamics conceptual model. *Agriculture and Human Values*, 36, 289-300.

- Guo, J., Qu. S. & Zhu. T. (2022). Estimating China's relative and multidimensional Poverty: Evidence from micro-level data of 6145 rural households, *World Development Perspectives*, 26.
- Goldsmith, W. & Blakely, E. (2010). *Separate societies: Poverty and inequality in US cities*. Temple University Press.
- Ghazanfari Aghdam, K. & Mila Elmi, Z. (2019). Analysis of the Factors that Create Poverty in Iran through the Pseudo-Panel Data Approach. *The Journal of Economic Policy*, 11(21), 25-53. [In Persian]
- Gerivani, F., Falahi, M., ahmadai shadmehri, M.T. & Raghfar, H. (2019). Dynamic Poverty Analysis in Urban Areas of Iran Based on Synthetic Panel Data Method. *The Economic Research (Sustainable Growth and Development)*, 19(4), 51-76. [In persian]
- Galbraith, J. (1979). *The Nature of mass Poverty*. Translated by Seyyed Mohammad Hossein Adeli. publication: Tehran, Etelaat. [In Persian]
- Ghasemi. H. (2020). *A Comprehensive Guide of Research*. Tehran: Andisheara Publishers. [In Persian]
- Hasanvand, Z. (2017). *Determining the Effect of the Minimum Wage on Income Inequality and Poverty in Iran*. M. A Dissertation, Alzahra University. [In Persian]
- Hasanzadeh, A. (2000). Analysis of Structurel Change in the Iranian Economy. *Iranian Journal of Economic Research*, 2(4), 130-184. [In Persian]
- Jennings, J. (1999). *Persistent Poverty in the United States: Review of Theories and Explanations*. In L. Kushnick, & J. Jennings (Eds.), *A New Introduction to Poverty: The Role of Race, Power, and Politics*. New York: New York University Press.
- Kim, Y.G., Eves, A. & Scarles, C. (2009). Building a model of local food consumption on trips and holidays: A grounded theory approach. *International journal of hospitality management*, 28(3), 423-431.
- Khanifar, H. & Moslemi, N. (2022). *Qualitative Research Methods: New and Practical Approach*. Tehran: Negah Danesh.
- Lopes, J.L., Bastos, L.A. & da Silva, R.M. (2016). Working children and adolescents and the vicious circle of poverty from the perspective of Gunnar Myrdal's theory of circular cumulative causation: Analysis and implementation of a probit model to Brazil. *International Journal of Economics and Management Engineering*, 10(6), 1908-1913.
- Liu, M., Feng, X., Zhao, Y. & Qiu, H. (2023). Impact of poverty alleviation through relocation: From the perspectives of income and multidimensional poverty. *Journal of Rural Studies*, 99, 35-44.

- Levine, R. & Renelt, D. (1992). A sensitivity analysis of cross-country growth regressions. *American Economic Review*, 82(4), 942-963.
- Ministry of Cooperatives, Labour, and Social Welfare. (2021). Collection of poverty monitoring reports: 1. Poverty monitoring in 2020, Tehran: Ministry of Cooperatives, Labour, and Social Welfare. [In Persian]
- Mohamadzadeh, P., Fallahi, F. & Hekmati Farid, S. (2010). Poverty and its Determinants in the Iranian Urban Households. *The Journal of Economic Modeling Research*, 1(2), 41-64. [In Persian]
- Morrill, R.L. & Wohlenberg, E.H. (1971). *The Geography of Poverty*. New York: McGraw Hill.
- North, D.C., J.J. Wallis, & B.R. Weingast (2009), Violence and the Rise of Open-access Orders. *Journal of Democracy*, 20(1), 55-68.
- O'hara, P.A. (2008). Principle of circular and cumulative causation: fusing Myrdalian and Kaldorian growth and development dynamics. *Journal of Economic issues*, 42(2), 375-387.
- Olson, M. (1993). Dictatorship, democracy, and development. *American political science review*, 87(3), 567-576.
- Ren, Z., Ge, Y., Wang, J., Mao, J. & Zhang, Q. (2017). Understanding the inconsistent relationships between socioeconomic factors and poverty incidence across contiguous poverty-stricken regions in China: Multilevel modelling. *Spatial Statistics*, 21, 406-420.
- Royce, E. (2022). Poverty and power: The problem of structural inequality, Rowman & Littlefield.
- Rank, M.R. (2004). *One nation, underprivileged: Why American poverty affects us all*. Oxford University Press.
- Rank, M.R., Yoon, H.S. & Hirschl, T.A. (2003). American poverty as a structural failing: Evidence and arguments. *J. Soc. & Soc. Welfare*, 30, 3.
- Ross, M. (2006). Is democracy good for the poor? *American Journal of Political Science* 50.4. Publisher: Wiley Online Library, 860-874.
- Ryan, W. (1976). *Blaming the Victim*. Vintage Books. New York.
- Razavi, M., Moshrefi. R. & Karami. M. (2022). Systemic Survey of Poverty in Iran Using Interpretive Structural Modeling. *Journal of Economics and Modelling*, 12(4), 111-136. [In Persian]
- Sterman, J. (2000). Instructor's manual to accompany business dyanmics: systems thinking and modeling for a complex world. McGraw-Hill.
- Schiller, B.R. (1989). *The Economics of Poverty and Discrimination*. Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall.
- Sen, A. (1992). *Inequality reexamined*. Oxford: Oxford University Press.
- Sen, A. (2001). *Development as freedom*. Oxford: Oxford University Press.
- Sen, A. (1999). *Development as Freedom*, Oxford University Press, New York.

- Sen, A. (1981). Ingredients of famine analysis: availability and entitlements. *The quarterly journal of economics* 96.3. Publisher: MIT Press, 433-464.
- Statistical Centre of Iran, Household Income and Expenditure Report. [In Persian]
- Statistical Centre of Iran, Statistical yearbook of Iran (2021). [In Persian]
- Shamshiru, N., Faezy Razi, F., Hematyan, H. & Zargar, M. (2020). Designing a Dynamic Model Based on Poverty and Deprivation Alleviation in Livelihood (Case study: Armed Forces Retirees). *Future study Management*, 31(121), 95-110. [In Persian]
- Salem. A.A. & Arab YarMohamadi. J. (2018). Factor Affecting Multidimensional Poverty, A Panel Multilevel Approach. *Quarterly Journal of Economic Research and Policies*, 26(87), 7-46. [In Persian]
- Tobin, J. (1994). *Poverty in Relation to Macroeconomic Trends, Cycles, Policies*. In S. H. Danzinder, G. D. Sandefur, & D. H. Weinberg (Eds.), *Confronting Poverty: Prescriptions for Change*. Cambridge: Harvard University Press.
- Tollefson J, (2015). UN approves global to-do list for next 15 years. *Nature*, 525(7570), 434-435.
- Valentine, C. A. (1968). *Culture and Poverty*. Chicago: University of Chicago Press.
- Zanbak, M. & Soykan, S. (2023). Econometric analysis of factors affecting women's multidimensional poverty. *In Women's Studies International Forum*. Vol. 100.

Poverty Dynamics and the Fundamental Root Causes in Iran

Zahra Azari¹
Parviz Mohamadzadeh²
Davood Behboudi³

Received: 2023-10-11

Accepted: 2023-11-24

Aim and Introduction

The importance of poverty and dealing with that is so critical that poverty alleviation is the first goal in the Millennium Development Goals (MDGs) and the United Nations Sustainable Development Goals (SDGs). Therefore, it is essential to be aware of the poverty dynamics and the mechanisms involved to influence such parameters. The purpose of this research is to identify the factors affecting poverty in Iran and analyzing the interactive mechanisms of the factors that cause poverty in the country. This study emphasizes the fact that knowing the factors affecting poverty and the mechanisms of influencing these factors can have a significant impact on alleviating poverty.

Methodology

The current study is applied research in terms of purpose, and analytical-exploratory research in terms of information analysis. The data collection tool is semi-structured and in-depth interviews. Since the purpose of this study is to identify the factors affecting poverty in Iran from the point of view of experts on Iran's economic, social and political issues, the samples were selected and interviewed using theoretical sampling under the snowball method. By conducting 16 interviews, the research reached theoretical saturation. In order to ensure that the subsequent interviews do not add new information to the previous findings, 4 more interviews were conducted, but no new information was added to the previous findings. Therefore, theoretical saturation was ensured by conducting 20 interviews and the target study sample was 20 cases. After identifying experts and conducting deep and semi-structured interviews, thematic analysis method was applied. This analysis is the process of identifying themes in qualitative data. In this method, a suitable conceptual model is obtained using qualitative data obtained from interviews. It should be noted that the MAXQDA software is used for coding the interviews. Finally, the specified codes were categorized and analyzed in the form of factors affecting poverty in the country. Also, in order to show the complex relationships between factors

-
1. Ph.D. Student of Institutional Economics, Economic Development and Planning Group, Faculty of Economics and Management, University of Tabriz, Tabriz, Iran. E-mail: azariza2015@gmail.com
 2. Professor of Economics, Economic Development and Planning Department, Faculty of Economics and Management, University of Tabriz, Tabriz, Iran. (Corresponding Author) E-mail: pmohamadzadeh@tabrizu.ac.ir
 3. Professor of Economics, Economic Development and Planning Department, Faculty of Economics and Management, University of Tabriz, Tabriz, Iran. E-mail: dbehbudi@tabrizu.ac.ir

affecting poverty in iran in the form of main and sub-themes, a qualitative dynamic approach and feedback loops were used in the Vensim 6.4E software environment. In this study, an approach is needed that can reflect the relationship of factors affecting poverty in its formation. Therefore, the relationships between the main and sub-themes extracted from the thematic analysis of expert interviews are depicted with a dynamic view. This method is a tool to show cause and effect relationships about a problem in society. This approach maps the relationships of a set of variables involved in a system. The relationship between system variables is displayed using causal loops.

Findings

In recent decades, despite the fact that the debate on poverty and poverty alleviation strategies has been raising in the world, and in some countries, basic measures have been taken to reduce income poverty and multi-dimensional poverty have taken place, not only has the situation not improved in Iran, but the country is facing huge crises in this field.

In this study, the factors affecting poverty in Iran have been presented in the form of four main themes of political, cultural, production and educational structure.

Cultural structure: cultural structure is a force that determines, realizes, facilitates and empowers or inhibits, binds or hinders action. Cultural structure identified in the interviews has been classified into two categories: the mental paradigms of actors (people and officials) and the culture of poverty.

Political structure: the elements related to the political structure identified among the experts' interviews have had a significant effect on poverty in Iran by reducing economic growth and creating inequality. These elements include: limited access orders, the presence of subordinate institutions in the economy, political isolation, lack of guarantee of property rights, lack of transparency in access to information, lack of freedom of expression in the press, rent, lack of a strong mechanism for monitoring, weak labor unions, government unresponsiveness, weak local government, not believing in law and legislation, and finally, the lack of education in demanding in schools and universities.

Educational structure: in relation to the interaction between education and poverty, it can be acknowledged that without adequate education and appropriate for the society, the individual and the society are limited to a poor life. Sen states that inadequate education in itself can be considered a form of poverty in many societies.

Production structure: the elements related to the production structure that were extracted from coding are: false beliefs due to unfavorable conditions, weakness in production culture, non-guaranteeing of property rights, political isolation, erosion of social capital, elimination of comparative advantage in production, corrupt monetary and banking system, presence of institutions subordinate to power in the economy, lack of written program in production, centralization in the center of the country and the environment of rentier economy.

Discussion and Conclusion

Contrary to the opinion of many officials and people of the society, poverty is not a simple and linear problem, but a complex and systemic disease. There is no specific problem in a system and all problems are related. According to the aggregated model and the self-reinforcing causal relationship, to break the causal relationships, planned policies in the form of main and sub-themes are suggested as follows:

Ensuring property rights for a large part of society, so that different people are motivated to invest and participate.

Proper use of the potentials of each region to create added value.

Recovery of international relations.

Keywords: Poverty, Interaction Mechanism, Iran

JEL Classification: B52, I30, J68

